صحنه

انتشار نمایشنامه ایرانی پس از ۱۰۰ سال

نمایش «اوســتاد نوروز پینــه دوز» که پس از یکصدسال منتشر شــده به کارگردانی رحمت امینی نقد و بررسی می‌شود.

خبر را مهر منتشر کرده و در ذکر جزئیات آورده: نقد و بررسی نمایش اوســتاد نوروز پینه‌دوز، نوشته میرزا احمدخان کمال‌الوزاره محمودی و کارگردانی رحمت امینی و رونمایی از چاپ تازه این نمایشــنامه پس از یکصد سال، ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه دوشنبه ســی و یکم تیر در سالن کنفرانس مجموعه تئاتر شــهر برگزار خواهد شــد. در مراســم رونمایی، بهــزاد فراهانی و داوود فتحعلی‌بیگی دو نفر از هنرمندان حوزه تئاتر ملی حاضر خواهنــد بود و درباره این متن سخنرانی خواهند کرد.

همچنین در این نشســت رضا آشفته و جواد روشــن دو نفر از اعضای کانون ملی منتقدان تئاتــر ایران دربــاره این نمایشــنامه و اجرای رحمت امینی از این متن سخن خواهند گفت.

دنگ

بازگشت علیزاده به صحنه

محمد علیزاده، از خوانندگان موســیقی پاپ ایران مرداد امســال پس از مدتــی توقف در برگزاری اجراهای زنده، تازه‌ترین کنسرت خود را برگزار خواهد کرد.

مهر نوشــته که این خواننده هفتــم مرداد، تازه‌ترین کنســرت خــود را در ســالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار می‌کند.

علیزاده که طی ماه‌های گذشــته، عمده تمرکز خود را بر انتشــار تــک آهنگ‌هــای مختلف معطوف کرده در کنســرت‌های پیــش رو به احتمال فــراوان قطعات منتخــب آلبوم‌های خود از جمله همخونه - ۱۳۸۷، سورپرایز - ۱۳۸۸، دلت بــا منــه - ۱۳۹۱، گفتم نــرو - ۱۳۹۵ و تک آهنگ‌های خود را برای طرفداران اجرا می‌کند.

طبــق برنامه‌ریزی‌هــای انجام شــده در این کنسرت که تحت پوشش شرکت ایران گام به مدیریت صدرالدین حسینخانی برگزار خواهد شــد، بلیت‌ها از ۶۰ تا ۱۷۰ هــزار تومان فروخته خواهند شد.

کلمه

دردسر برای ترجمه کتاب پائولو کوئلیو در ترکیه

ایجاد تغییراتی در نسخه ترجمه شده رمان «یازده دقیقه» اثر پائولو کوئلیو، نویسنده معروف برزیلی در کشور ترکیه با اعتراضات فراوانی روبه‌رو شده است.

آن‌طور که ایســنا گزارش گادرین را ترجمه کرده، پس از آن که خوانندگان ترکیه‌ای متوجه شدند یکی از ارجاعات موجود در نسخه ترجمه ترکی رمان یازده دقیقه تغییر داده شده، ناشر ترکیه‌ای این اثر در حال جمع‌آوری نسخه‌های آن است.

در بخشی از ترجمه ترکی این رمان واژه «کردستان» حذف و به جای آن از واژه «خاورمیانه» اســتفاده شده است.

ترجمه ترکی این رمان از سال ۲۰۰۴ تاکنون ۳۸ بار در ترکیه تجدید چاپ شده است.

کان اوز، مدیر نشر کان در صفحه توییتر خود به انتقادها واکنش نشــان داد و گفت خوانندگان حق دارند از این موضوع عصبانی باشند و ما این مورد را در نسخه جدید اصلاح خواهیم کرد.

سادات اوزن، مترجم ترکی رمان یازده دقیقه نیز توضیــح داد: درباره این که این تغییر چگونــه روی داده نظری ندارم، اما اطمینان دارم این مغایرت، تصمیم نبوده است.

کیمیاگر، ورونیــکا تصمیم می‌گیرد بمیــرد، والکیری‌ها، مکتوب، کنار رود پیدرا نشستم و گریستم، کوه پنجم، نامه‌های عاشــقانه یــک پیامبــر، اعترافــات یک ســالک، شــیطان و دوشیزه پریم، زهیر و پرنده تنهاست از جمله معروف‌ترین آثار این نویسنده برزیلی محسوب می‌شوند.

کاردان و زراندوز در حلقه رندان

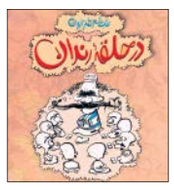

محفل طنز «در حلقه رندان» روز یکشــنبه ۳۰ تیر از ساعت ۱۸ در تالار ســوره حوزه هنری میزبان علی زراندوز، نویسنده و طنزپرداز می‌شود. آن‌طور که روابط عمومی سپهر سوره هنر خبر داده، زراندوز در این جلسه مهمان صندلی قرمز این رویداد حوزه ادبیات است که به گفت‌وگو با داریوش کاردان، مجری این برنامه و نویسنده، بازیگر و کارگردان سینما و تلویزیون می‌نشیند.

بازیگران معروف سینما در نمایش آنتوان چخوف

گرتا گرویگ و اســکار ایزاك را برای بازی‌ها و کارگردانی فیلم‌های آمریکایی می‌شناسیم، اما حالا آن‌طور که مهر به نقل از ورایتی آورده، این دو برای حضور در نمایش جدیدی از «سه خواهر» آنتوان چخوف به کارگردانی سم گولد در منهتن انتخاب شده‌اند. گرویك، نامزدی اسکار را برای بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه اصلی در کارنامه دارد.

حسین علیزاده را در مترو، رضا کیانیان را در خیابان و لوریس چکنواریان را در اتوبوس بارها دیده‌ایم

پیرو انتشار ویدئویی از حضور حسین علیزاده در مترو، رابطه بی‌واسطه هنرمندان و مردم را بررسی کرده‌ایم

از ماشینت پیاده شو رفیق

در این گزارش هم به رفتار اجتماعی هنرمندان پرداخته‌ایم و هم به سخنان برخی از آنان در رابطه با ارتباط بی‌واسطه هنرمند با مردم ازجمله شهید مرتضی آوینی که می‌گوید: «کسی که در میان مردم حضور نداشته باشد مرده است.»

در کوچه‌پس‌کوچه‌های جمهوری

لوریس چکناواریان

حالا با انتشار ویدئویی از حضور حسین علیزاده در مترو، احتمالا موجی در شبکه‌های اجتماعی راه خواهد افتاد، مثل اتفاقی که اردیبهشت‌ماه چهار سال پیش و با انتشار تصویری از حضور لوریس چکناواریان، دیگر هنرمند محبوب موسیقی افتاده بود. او هنوز هم سعی می‌کند با پای پیاده مسیرهای کوتاه را طی کند یا با مترو و اتوبوس خودش را به مقصد برساند. اگر گذرتان زیاد به کوچه پس‌کوچه‌های خیابان جمهوری می‌افتد او را در حال پیاده‌روی دیده‌اید. همان موقع، همکار ما زینب مرتضایی‌فرد با لوریس چکناواریان در این باره به گفت‌وگو نشست و محصول آن گپ کوتاه در روزنامه جام‌جم منتشر شد. او به مرتضایی‌فرد گفته بود: «چند روز پیش در یکی از شبکه‌های اجتماعی دوستی درباره این عکس از من سؤال کرد. گفتم؛ آن را ندیده‌ام. ایشان با اظهار تعجب برایم نوشت که فکر نمی‌کرده من سوار اتوبوس شوم. فکر می‌کرده من با بی‌ام‌و یا یک خودروی مدل بالا در این سطح رفت و آمد کنم. من هم خندیدم و به او پاسخ دادم آدم‌ها یا خودشان را جدی می‌گیرند یا کارشان را. من کارم را جدی گرفته‌ام. دوست دارم هر روز مردم را ببینم. از کنارشان عبور کنم. هنر با مردم است، میان مردم است و در کنارشان پرسه می‌زند. اگر کسی می‌خواهد هنرمند شود و هنرمند بماند باید میان همین مردم باشد. هنر از مردم می‌آید و به مردم بازمی‌گردد. ما همه در برابر خدا یکسانیم و هیچ امر ظاهری نباید موجب شود فکر کنیم از بقیه بالاتر هستیم، اما بگذارید این را هم بگویم که در این دنیای گذرا همین اتوبوس هم برای من زیاد است! هیچ‌کس هیچ چیز با خودش نمی‌برد... باید گذاشت و گذشت...»

چرا توی اون واگن نبودم؟

انتشار ویدئویی از حسین علیزاده در مترو و توصیه او به استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی به جای خودروی شخصی، واکنش کاربران توییتر را به همراه داشته است. با این‌که مردم اغلب به مسؤولانی که در چنین موقعیت‌هایی از خودشان ویدئو منتشر و توصیه‌هایی از این دست می‌کنند واکنش‌های مثبتی نشان نمی‌دهند و آن را بیشتر از سر ریاورزی می‌پندارند، اما حالا دعوت این نوازنده و آهنگساز برجسته را لبیك گفته‌اند. این شاید خود نشان‌دهنده این است که زبان هنر، اعتمادساز و باورپذیرتر است.

Hojjat Azizi
Tweet
من هر روز با مترو میرم سر کار، چرا نباید اون روز، اون ساعت، توی اون واگن باشم؟
۱ ۰ ۷

آمیرزا
Tweet
این دوروریاش چقد ریلکسن:)))
۲ ۰ ۶

Mr parvaz
Tweet
خوشبختانه آدم‌های موثر رو عموم مردم نمی‌شناسند.
۱ ۰ ۴

جواد امانی
Tweet
#هنرمند یعنی یکی مثل #حسین_علیزاده که عنوان شهروندی #شیراز رو به #نشان_شوالیه فرانسه ترجیح داد.
۳ ۱ ۹

mahbobeh p mohammadi
Tweet
چرا آخه؟ چراااااااا؟ #حسین_علیزاده با وقار و متانت تمام از کنارمون رد شد و سه تایی فقط نگاهش کردیم تا دور شد و دور شد و دور شد...
۴ ۲ ۷

پیاده‌باز کریم‌خان

رضا کیانیان

رضا کیانیان را چند بار در پویش‌های اجتماعی مختلف در رابطه با رفتار صحیح شهروندی دیده‌ایم. از جمله در مرحله دوم پویش «از خودمان شروع کنیم» که یکی دو سال پیش با هدف اصلاح و ارتقای فرهنگ ترافیك در زمینه حقوق عابرپیاده و توسعه استفاده از دوچرخه به عنوان وسیله نقلیه اجرا شد در قالب اجرای نمایش‌های خیابانی. روزی که کیانیان به خیابان آمد و علاوه بر دوچرخه‌سواری، راننده‌های متخلف خودرو و موتورسیکلت را پند و اندرز می‌داد، روز مهم این پویش بود. البته می‌دانیم حضور مقطعی هنرمندان در این پویش‌ها تاثیر دارد و می‌دانیم این تاثیر چندان به‌سزا نیست، اما رضا کیانیان را نیز در فهرست هنرمندانی که بی‌واسطه با مردم در ارتباطند قرار می‌دهیم، چون او اهل تماشای تئاتر و گالری‌گردی است، آن هم با پای پیاده. بارها او را در حد فاصل خیابان کریم‌خان زند و ایرانشهر دیده‌ایم که در حال رفتن به مقصدی است با پای پیاده.

اتوبوس‌سوار ذائقه‌شناس

کیومرث پوراحمد

کیومرث پوراحمد را به عنوان یکی از مردمی‌ترین سینماگران ایران می‌شناسیم. این عنوان «مردمی» البته آن‌قدر مستهلك شده که حالا لازم باشد توضیحی درباره‌اش بدهیم. در فیلم‌های او، دست‌کم در فیلم‌های دهه‌های قبلش، ما حضور ملموس و بی‌واسطه‌ای از مردمِ واقعا موجود در جامعه را می‌توانیم رصد کنیم. او اخیرا با روزنامه هفت صبح گفت‌وگویی کرده و طی آن گفته هر روز با اتوبوس طول خیابان ولیعصر را می‌رود تا محل کارش و سعی می‌کند ساعاتی را از این طریق بین مردم باشد. او گفته بود از این راه در تلاش است سلایق سینمایی آنان را رصد کند و در کارش از آن بهره ببرد.

هنرِ مُرده!

شهید مرتضی آوینی

اگر نقدهای سینمایی شهید مرتضی آوینی را خوانده باشید، لابد دیده‌اید که «مردم» کلیدواژه اغلب آنهاست. او بیشتر نقدهای سینمایی‌اش را از رهگذر نسبت اثر سینمایی با مردم پیش می‌برد و از این رو، فیلم‌هایی را بیشتر می‌پسندد که این نسبت را به‌درستی درك کرده باشند. او پس از برگزاری هشتمین جشنواره فیلم فجر دست به قلم شد و برای ماهنامه سوره نقدی بر هشت فیلم به‌نمایش درآمده در آن جشنواره نوشت. این نقدها نیز از قاعده‌ای که گفتیم مستثنا نبودند. او در یکی از فرازهای این نقد بلند نوشت: «کسی که لااقل در میان مردم حضور نداشته باشد، مرده است.»

شاعر مردمی یا مخالف فرهنگ عامه؟

احمد شاملو

درباره نگاه شاملو به ارتباط با مردم دیدگاه‌های مختلفی موجود است؛ عده‌ای معتقدند او شاعر ملی بود به آن معنا که شعرش شعر کوچه و بازار و مردم است و عده‌ای دیگر او را حتی دشمن فرهنگ مردم به حساب می‌آورند. با این حال، فارغ از این‌که نسبت به مواضع او درباره فرهنگ عامه چه نظری داشته باشیم، او دست کم در یکی از شعرهایش معتقد است که شاعر باید بین مردم برود و سوژه شعرش را از چهارراه‌ها بردارد.

او در بخشی از شعر «شعری که زندگی‌ست» از کتاب شعر «هوای تازه»، درباره تفاوتی که شاعر امروز با شاعر کهن باید داشته باشد، می‌نویسد. در این شعر شاملو معتقد است: «موضوع شعر شاعر پیشین / از زندگی نبود. / در آسمان خشك خیالش، او / جز با شراب و یار نمی‌کرد گفت‌وگو». و با همین قیاس، می‌گوید: «بیگانه نیست / شاعر امروز / با دردهای مشترك خلق: / او با لبان مردم / لبخند می‌زند، / درد و امید مردم را / با استخوان خویش / پیوند می‌زند. / امروز / شاعر / باید لباس خوب بپوشد / کفش تمیز واکس‌زده باید به پا کند، / آن‌گاه در شلوغ‌ترین نقطه‌های شهر / موضوع و وزن و قافیه‌اش را / یکی یکی با دقتی که خاص خود اوست، / از بین عابران خیابان جدا کند / همراه من بیایید، همشهری عزیز! [...] / آحاد شعر من، همه افراد مردمند، / (از زندگی (که بیشتر مضمون قطعه است / تا لفظ و وزن و قافیه شعر جمله را / من در میان مردم می‌جویم...»

منتقد متروسوار

محمدرضا اصلانی

محمدرضا اصلانی، شاعر، سینماگر و پژوهشگر هنر، از آن هنرمندانی است که کمتر در خانه یافت می‌شود و برخلاف دیگر هم‌سن‌وسالانش مدام شهر را این‌سو و آن‌سو می‌کند تا در رویدادهای هنری و ادبی حاضر باشد. خودمان بارها وقتی با مترو به خیابان میرداماد آمده‌ایم تا به دفتر روزنامه جام‌جم برسیم او را دیده‌ایم که از خانه‌اش در نزدیکی ایستگاه متروی صدر سوار شده و به مرکز شهر می‌رود. او با این‌که منتقد بسیاری از سیاست‌های شهری پایتخت است و طی چند مصاحبه نسبت به آنها انتقاد کرده، اما معتقد است با مترو راحت‌تر است.

بازنده روز: علیرضا خمسه

عکس‌نیوز

علیرضا خمسه را باید بدشانس‌ترین هنرمند امروز بدانیم؛ درست در روزی که ویدئویی از حضور حسین علیزاده در مترو منتشر شده و انتشار این ویدئو طبعا موجی از تحسین او را به همراه خواهد داشت، ویدئویی از علیرضا خمسه در خارج از کشور هم دست‌به‌دست شد که او در بخشی از یك استندآپ‌کمدی حرف‌های زشتی در مقایسه ایران و فرهنگ ایرانی با خارجی‌ها می‌زند، حرف‌هایی که واقعا برای هر ایرانی برخورنده و ناراحت‌کننده است. البته احتمالا این ویدئوی کوتاه بریده‌ای از یك ویدئو بلندتر است و طبعا خمسه که هنرمند باتجربه‌ای است طی آن، منظور خود را به‌درستی و با عباراتی دیگر تلطیف کرده است، اما به هر حال او در روزی که ویدئوی علیزاده، ستایش‌ها را روانه او کرده، باخت بزرگی را بابت این تقارن و همزمانی متحمل شده است.